

## ۱- گذری بر موقعیت جغرافیایی ترکمن صحرا.

«ترکمن صحرا» جلگه‌ای است رسوبی و نسبتاً هموار که از عقب نشینی دریای خزر و تجمع رودهایی نظیر اترک و گرگان به وجود آمده است. این منطقه بین عرضهای جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه (جنوب گرگان) تا ۳۸ درجه شمالی (چات) و نیز بین طولهای جغرافیایی ۵۳ درجه و ۵۵ دقیقه (شمال بندر ترکمن) تا ۵۶ درجه شرقی (مراوه تپه) قرار دارد. از لحاظ موقعیت جغرافیایی این جلگه از مغرب به دریای خزر و از شمال به کشور ترکمنستان محدود می‌شود و از مشرق به خراسان و منطقه نیمه خشک بجنورد و از جنوب شرقی و جنوب به کوهپایه‌های جنگلی البرز شمالی محدود شد است. مجموع مساحت‌های شهرستانهای بندر ترکمن، گرگان، گنبد و مینودشت (حدود ۲۰۲۶۶ کیلومتر مربع) وسعت این محدوده را تشکیل می‌دهد. (۱)

# سیر تاریخی-فرهنگی قوم ترکمن

منصور مرادی

آب و هوا، پستی و بلندیها: این منطقه، جزء قلمرو آب و هوای نیمه بیابانی یا نیمه خشک قرار می‌گیرد. ماه بهمن پرباران‌ترین و تیرماه خشک‌ترین ماه سال است و درجه حرارت از مغرب به مشرق افزایش می‌یابد. سردترین ماهها دی و بهمن با  $۱/۷$  و  $۰/۴$  - درجه حرارت در ایستگاه گنبد و گرمترین ماهها خرداد و تیر و مرداد با  $۳۱/۲$ ،  $۳۷/۱$  و  $۳۳/۲$  درجه سانتی‌گراد است. با دمای مرطوب غربی در طول زمستان از غرب به شرق و جنوب شرقی می‌وزد. اغلب باران آور است و باد سرد و خشک شمال شرقی که از سیبری می‌وزد، فاقد رطوبت بوده و در محل به نام «شرتیک» معروف است. دشت گرگان در ساحل دریای خزر پائین‌تر از سطح دریا است و هر

چه به سمت شرق برویم تدریجاً بر ارتفاع آن افزوده می‌شود تا این که با تپه‌های کم ارتفاع «گورکچا»، که حداکثر بلندی آن ۵۰۰ متر است و مرز شرقی دشت گرگان را تشکیل می‌دهد، قطع می‌شود. در شمال دشت گرگان منطقه وسیع و عمدتاً کم ارتفاعی قرار دارد که تا ناحیه جنگلی روسیه و آسیای امتداد می‌یابد. در جنوب آن، دنباله شرقی جبال البرز واقع شده که بسیار مرتفع‌تر از دشت است و قله‌های آن ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متر ارتفاع دارد. (۲)

رودها: مهمترین منابع آبی در سطح ترکمن صحرا، رودهای دائمی هستند که عبارتند از:

الف - رود گرگان: مهمترین رود صحرای ترکمن است که از کوه «آلاداغ» (حوالی بجنورد) سرچشمه می‌گیرد. و در جهت شرق به غرب جریان یافته، پس از طی حدود سیصد کیلومتر (در حوالی خواجه نفس) به دریای خزر می‌ریزد. سد مخزنی خاکی «وشمگیر» (گرگان رود) روی آن تاسیس شده است که ۴۵ هزار هکتار از اراضی اطراف را مشروب می‌کند (۳)



ب- رود اترک: از کوههای «هزار مسجد» در خراسان سرچشمه می‌گیرد و به طرف غرب جریان دارد. آب این رودخانه تیره و عمق آن زیاد می‌باشد و به شکل مارپیچ ادامه دارد. مردم صحرا جویهای بسیاری را برای آبیاری از این رودخانه گرفته‌اند. اترک دارای شعبات زیادی است و طول آن به ۵۰۰ کیلومتر می‌رسد.<sup>(۳)</sup>

ج- رود قره‌سو: این رود از «قلعه ماران» در شرق استرآباد سرچشمه گرفته، در قسمت جنوبی ترکمن صحرا در محلی به نام «آق باش تپه» دلتایی را تشکیل می‌دهد. این رود پس از طی جنوب «آق قلعه»، در محلی موسوم به «قره‌سو» وارد دریای خزر می‌شود.<sup>(۴)</sup>

پوشش گیاهی منطقه: پوشش گیاهی (فلور طبیعی) منطقه گرگان (ترکمن صحرا)، متشکل از ۱۰۸۱ گونه متعلق به ۱۱۴ تیره است. درختان مهم جنگلی منطقه که بیشتر پهن برگ هستند عبارتند از: آنجیلی، بلوط، ممرز، راش، کوس، گردو و حشی، کرکف، سرخه‌دار، نارون، چنار، انار، توسکا، بلندمازو، آزاد، شمشاد، ون و ... گیاهان علوفه‌ای و مرتعی عبارتند از: محلنا، مچ (نام محلی)، گندم، علف ری‌راش، شنبر جنگلی، انواع پنیرکها، انواع ختمی، انواع ویولا.

تربوئلند و کاملیا که در کوهستان و مزارع و جنگل دیده می‌شود.<sup>(۵)</sup>

تنوع جانوری منطقه: حیوانات این منطقه به دو گروه اهلی و وحشی تقسیم می‌شود: در گروه اهلی حیواناتی نظیر گاو، شتر، گوسفند، بز، اسب، خر، انواع طیور خانگی، مرغ، خروس و بوقلمون قرار دارند.

در گروه وحشی جانورانی نظیر روباه، شغال، انواع مار، جوجه تیغی، پلنگ، ببر، خرگوش، خرس قهوه‌ای، مرال (گوزن)، شوکا، گراز، گربه جنگلی، سمور، سنجابک، انواع خفاش سیل‌دار، گوش پهن و آسیایی، یوزپلنگ، گرگ و ... قرار دارند.

در دریای خزر انواع ماهیان خاویاری، فک و همچنین پرندگان مهاجر نظیر قو، حواصیل، درنا، اردک و وحشی، زندگی می‌کنند.<sup>(۶)</sup>

## ۲- پراکنش مناطق مسکونی مردم ترکمن

الف: ترکمنستان: از جنوب به ترکمن صحرای ایران و افغانستان، از مغرب به دریای مازندران (خزر)، از شمال غربی به جمهوری قزاقستان و از شمال شرقی و مشرق به ازبکستان محدود است. مساحت کل آن ۴۸۸۰۹۹ کیلومتر مربع، جمعیت آن در سال ۱۹۸۴، ۳۱۱۸۰۰۰ تن و مرکز این کشور عشق‌آباد با جمعیت ۳۵۱۰۰۰ تن در همین سال می‌باشد.

ترکمنستان کشوری با تمدن باستانی است. جاده باستانی ابریشم از اراضی ترکمنستان

می‌گذشت و شهرهای مرو و گورگنج در شمار بزرگترین شهرهای جهان آن روز بودند.

جمهوری ترکمنستان از لحاظ استخراج نفت خام مقام دوم را در کشورهای مشترک‌المنافع داراست و ذخایر گاز طبیعی این کشور در رتبه چهارم جهانی قرار دارد.

پراکندگی ترکمن‌ها در ترکمنستان: ترکمنهای «ارساری» در دو طرف آمودریا و نیز در مرز ایران و نیز در شمال ترکمنستان (منطقه خیوه) پراکنده شده‌اند. «چودور» ها در شمال غربی و «ابدال»ها «خوجه»ها و «ایغدیر»ها در منتهی‌الیه شمال غربی در کنار دریای مازندران زندگی می‌کنند. «شیخ»ها و «اغورج‌علی»ها نیز در کناره دریای مازندران پراکنده‌اند. «ساریق»ها در جنوب شرقی در نزدیکی مرز افغانستان و در کنار آنها «سالور»ها پراکنده‌اند. «تکه»ها در مناطق شمال عشق‌آباد و نیز منطقه مرکزی ترکمنستان زندگی می‌کنند.<sup>(۸)</sup>

ب- ترکمن صحرا: موقعیت جغرافیایی این منطقه در بخشهای قبلی به تفصیل گفته شد، در این قسمت پراکندگی طوایف این منطقه را ذکر می‌نماییم: مهمترین مرکز تجمع جمعیت ترکمن در ترکمن صحرا شهر «گنبدکاووس» است.

«بموت»ها بیشترین منطقه را در ترکمن صحرا اشغال کرده و در مناطق «گومیشان»، «داشلی‌برون»، «آق‌قلعه»، «بندر ترکمن» و حومه گنبدکاووس زندگی می‌کنند که به بخش جلگه‌ای معروف است و در جنوب رودخانه اترک قرار دارد و از جنوب و جنوب شرقی به کوهپایه‌های جنگلی سلسله جبال البرز محدود می‌گردد.

## \* ترکمنها شجره‌نامه‌ای دارند که در آن نسبت آنها از حضرت آدم (ع) تا اوغوزخان مشخص شده است.

«گوگلان»ها در منطقه «گوگلان» در نزدیکی گنبدکاووس، «مراوه تپه»، «جزگلان»، «گلیداغ»، «قره‌بلخان» و قسمتی از ارتفاعات غرب و شمال غرب بجنورد زندگی می‌کنند و به بخش کوهستانی ترکمن صحرا معروف است. «تکه»ها نیز در «حصارچه» ساکنند.<sup>(۹)</sup>

ج- افغانستان: ترکمنهای افغانستان بیشتر در «اندخوی» و منطقه «میان بالامرغاب» و «مروچک» ساکن هستند که از این میان ۸۰٪ جمعیت شهر «قلای‌زر» را ترکمنها تشکیل می‌دهند و عده‌ای هم در هرات، بلخ، مزارشریف، قندوز، سمنگان، دولت‌آباد و ... زندگی می‌کنند. و از شش قبیله «سالور»، «ساریق»، «ارساری»، «تکه»، «علی‌اتلی» و «چاودار» تشکیل شده‌اند. از نظر جمعیتی ترکمنها در افغانستان بعد از

## \* ترکان در حدود قرن نهم قبل از میلاد در نواحی ترکمنستان و غرب چین و جنوب مغولستان و شمال خزر و ایران قدیم می‌زیسته‌اند و قطعاً زبان مشترک این نژاد مغولی و تنگوزی بوده است.

تاجیک، پشتو، ازبک و هزاره در مقام پنجم قرار دارند.<sup>(۱۰)</sup>

لئوئیس کلیفورد در مورد ترکمنها می‌نویسد: «یکی از کم جمعیت‌ترین قبایل ترک افغانستان ترکمنها هستند که شمارشان در اواسط دهه ۲۹۷۰ (۱۳۵۰ شمسی) تقریباً دویست هزار نفر بوده است.»<sup>(۱۱)</sup> البته عبدالمجید ایشچی از شاعران ترکمن افغانستانی در گفتگو با ماهنامه «صحرا» از جمعیت ۱/۵ تا ۲ میلیونی ترکمنها در افغانستان خبر می‌دهد.

د- عراق: ترکان عراق که به خودشان ترکمن می‌گویند، بین نیم تا یک میلیون نفرند و به لهجه ترکی آذری صحبت می‌کنند. در شمال عراق از شهر «تلعفر» تا قصبه «بدره» در جنوب شرقی عراق نزدیک مرز ایران در شانزده شهر، قصبه و صدها ده سکونت دارند. مرکز ترکان عراق شهر کرکوک می‌باشد.<sup>(۱۲)</sup>

ه- چین: شاخه‌ای از ترکمنهای «سالور» بنام «سالار» که به ترکی سالار تکلم می‌کنند. قریب به چهل هزار تن می‌باشند و در چین در «سیونخو» و ایالت «ته این خای» و «کانو» زندگی می‌کنند.<sup>(۱۳)</sup>

و- سوریه، لبنان و ترکیه: ترکان سوریه در شهرهای «حلب» و «لازیه» مخصوصاً در نواحی سیط (بوجاق) بایر از توابع لازیه و جرابلس (از توابع حلب) زندگی می‌کنند و خود را ترکمن می‌نامند. جمعیت آنها در حدود یکصد هزار نفر می‌باشد.

در لبنان نیز حدود بیست هزار ترکمن زندگی می‌کنند و تعداد زیادی کلمات عربی در زبان آنان وارد شده است. در ترکیه (قسمت آسیایی) تعداد ترکمنها به سیصد هزار نفر می‌رسد.<sup>(۱۴)</sup>

### ۳- طوایف قوم ترکمن

طوایف ترکمن به «خلق»، «خلق‌ها» به «طایفه» و طایفه نیز به «تیره» تقسیم می‌شود. در اینجا با ذکر تک تک این خلقها و تقسیم بندی آنها و توضیح مختصری نیز در مورد آنها داده خواهد شد. الف- چاودور<sup>(۱۵)</sup>: بنا به گفته و امبری، این خلق در قسمت جنوبی منطقه بین دریای خزر و دریای آرال واقع گردیده و دارای و دوازده هزار چادر می‌باشند. تیره‌های عمده آنها عبارت است از: ابدال<sup>(۱۶)</sup> و ایگدیر<sup>(۱۷)</sup>، اصلو<sup>(۱۸)</sup>، قره چادر<sup>(۱۹)</sup>، بزاجی<sup>(۲۰)</sup>، بورون جوق<sup>(۲۱)</sup>، شیخ<sup>(۲۲)</sup> ب- ارزاری<sup>(۲۳)</sup>: که بدان ارساری نیز می‌گویند. عده چادرهایشان به پنجاه تا شصت

## \* ترکان قبل از اسلام ایمان عجیبی به سرنوشت و قضا و قدر داشتند .

هزار بالغ می شود. چون قرار گاهشان نزدیک جیحون است. اغلب آنها را «لب آب ترکمن» (ترکمنهای لب آب) می نامند.

ج- آل علی<sup>(۲۴)</sup>: مسکن عمده آنها «اندخوی» و تعدد چادرهای آنها منتهی به سه هزار بالغ می شود.

د- قره<sup>(۲۵)</sup>: یکی از ایالات کم اهمیت ترکمن است.

ه سالور<sup>(۲۶)</sup>: این ایل از قدیمی ترین ایلات ترکمن است و در هنگام حمله اعراب به شجاعتی معروف بوده اند. و افراد آن بیش از هشت هزار چادر در اختیار دارند. به سه طایفه یلواج<sup>(۲۷)</sup>، قهرمان<sup>(۲۸)</sup> و آتابولای<sup>(۲۹)</sup> و یازده تیره تقسیم می شود.

و- ساریق<sup>(۳۰)</sup>: تعدادشان منحصر به ده هزار چادر می باشد. مسکنشان در کنار رود مرغاب در اطراف پنج ده می باشد. به پنج طایفه خراسانی<sup>(۳۱)</sup>، پیراج<sup>(۳۲)</sup>، سوخته<sup>(۳۳)</sup>، آلاشا<sup>(۳۴)</sup>، هرزقی<sup>(۳۵)</sup> و بیست و یک تیره تقسیم می شود.

ز- تکه<sup>(۳۶)</sup>: دو توقفگاه عمده دارند یکی در آفال و دیگری در مرز و بنا بر منابع موثق جمعاً شصت هزار چادر می شوند. کمتر از همنوعان خود اراضی زراعتی در اختیار دارند. از سه طایفه اوتیش<sup>(۳۷)</sup>، پخشی<sup>(۳۸)</sup>، تقتامیش<sup>(۳۹)</sup> و ۱۹ تیره تشکیل یافته اند.

ح- گوکلان<sup>(۴۰)</sup>: غالب آنها از روی میل به زراعت مشغول هستند و بایستی به دیده، صلح جوترین و متمدن ترین ترکمنها به آنها نگاه کرد. «یورت» آنها ذاتاً محل زیباییست که عبارت از همان گرگان قدیم است و ده هزار چادر دارند. به ده طایفه چاقر<sup>(۴۱)</sup>، بیگدلی<sup>(۴۲)</sup>، قابی<sup>(۴۳)</sup>، قره بالکان<sup>(۴۴)</sup>، قوروق<sup>(۴۵)</sup>، پایندر<sup>(۴۶)</sup>، گرگنز<sup>(۴۷)</sup>، یانگاق<sup>(۴۸)</sup>، زن گرتی<sup>(۴۹)</sup>، آج درویش<sup>(۵۰)</sup> و ۶۰ تیره تقسیم می شوند.

ط- یموت<sup>(۵۱)</sup>: یموتهای گرگان در ساحل شرقی و بعضی از جزایر بحر خزر سکنی دارند و یموتهای خبوه در همسایگی بلافضل جیحون قرار دارند. به چهار طایفه آتابای<sup>(۵۲)</sup>، جعفریای<sup>(۵۳)</sup> (که به دو شعبه یارعلی<sup>(۵۴)</sup> و نورعلی<sup>(۵۵)</sup> تقسیم می شوند)، شرف جونی<sup>(۵۶)</sup> (که در گرگان و خبوه قرار دارند) از گوج علی<sup>(۵۷)</sup> و به ۲۸ تیره تقسیم می شوند. عده کل چادرهای آنها بین چهل تا پنجاه هزار برآورد می کنند<sup>(۵۸)</sup>.

همچنین می توان ترکمنها را از لحاظ شغل و کوچگری و یکجانشینی به دو گروه تقسیم کرد:

۱- «چمور»ها: از زندگی چادرنشینی و حرکت دائمی به زندگی ثابت گرایش یافته و شغل اصلی آنها کشاورزی است. ترکمنهای اطراف دریای خزر و گوکلانها از سابقه ترین چمورها هستند.

۲- «چاروادار»ها: دامپرورانی بودند که اکثر فصول سال را در مهاجرت و بیلاق و قشلاق به

دنبال چراگاههای بهتر سپری می کردند<sup>(۵۹)</sup>.

۴- مختصری درباره تاریخ باستانی قوم ترك. برای تحقیق و بررسی تاریخ باستانی قوم ترك در درجه اول باید از کتیبه های «اورخن» که مربوط به قرن هشتم میلادی است، استفاده نمود. این اسناد به ملتی تعلق دارد که برای اولین بار در تاریخ به نام «ترك» نامیده شده اند و ظهورشان در قرن ششم میلادی بوده است. «ترکان تا قبل از قرن ۶ میلادی به اسامی مختلف در نقاط گوناگون پراکنده بودند. کلمه «ترك» به معنی قوی و نیرومند است.<sup>(۶۰)</sup>

«از نتایج مطالعات ایران شناسی دانشمندان روسی، چینی و اروپایی برمی آید که ترکان در حدود قرن نهم قبل از میلاد در نواحی ترکستان و غرب چین و جنوب مغولستان و شمال خزر و ایران قدیم می زیسته اند.»<sup>(۶۱)</sup>

درباره ریشه نژادی این قوم نظرات گوناگونی از سوی محققان بیان شده است، «عده ای ترکها را از نژاد سفید دانسته و زبان آنها را جزء گروه زبانهای هند-اروپایی طبقه بندی می کنند و عده ای دیگر، ترکان را از نژاد زرد و زبان آنها را جزء زبانهای آلتایی (اوران-آلتایی) می دانند.»<sup>(۶۲)</sup>

به گفته پروفیسور بروکلن نژاد ترك بین ساکنین تبت و چین شرقی و نژاد آسیایی کهن یا سیبری شمالی و ملل «فینو اوگری»<sup>(۶۳)</sup> غربی و سرزمینهای وسیع سیبری و استپهای بین دریای خزر و کوههای آلتایی به وجود آمد. زبان مشترک این نژاد قطعاً عبارت از «مغولی» و «تنگوزی» بود.<sup>(۶۴)</sup>

در منابع چینی هیونگ نو یا هونها به عنوان قدیمی ترین دولت از تبار ترك معرفی شده اند و ترکان «گوگ تورک»، «اویغور» و «قرقیز» را از اعقاب آنها محسوب کرده اند. «در سال ۲۰۹ قبل از میلاد مسیح، فرمانروای هونها، مته (ماهوتو) فرزند تومان بود مته خان با پدرش اختلاف شدیدی پیدا کرد و در جنگ بین آنها پدرش کشته شد و مته خان فرمانروای امپراتوری هون شد. . . . در سال ۱۵۵ میلادی در منطقه «اورخسون»، «سین پی» ها جای هونها را گرفتند. بعدها «جوان

- جوان»ها که از مغولان بودند بجای آنها حاکم شدند تا اینکه در سال ۵۵۲ میلادی امپراتوری «گوگ تورک» بوسیله بومن خاقان تشکیل شد.<sup>(۶۵)</sup> اما در برخی منابع دیگر نخستین حکومتی که ترکان تشکیل می دهند، حکومت «گوگ ترك»ها (ترکان آسمانی، ترکان قدرتمند) معرفی شده که توسط دو برادر به نامهای یومین و ایستمی بصورت دو امپراتوری شرقی و غربی تاسیس می شود که شامل مغولستان تا حوالی دریای سیاه و چین شمالی می باشد. «موسس امپراتوری شرقی یومین در ۵۵۲ میلادی درگذشت. ولی ایستمی که بر قسمت غربی فرمانروایی داشت يك ربع قرن پس از وی زیست. سلسله سلاطین چین موسوم به «تانگ» در سال ۶۳۰ قسمت شمالی و در سال ۶۵۹ قسمت غربی امپراتوری ترك را متصرف شدند.<sup>(۶۶)</sup> ولی بعد از يك دوره فترت، در سال ۶۸۰ میلادی که قوتلوق خان از نسل یومین خان

دوباره حکومت ترکان را تاسیس نمود و بالاخره حکومت «گوگ ترك»ها در سال ۷۴۵ میلادی توسط «اویغور»ها منقرض گردید<sup>(۶۷)</sup> به گفته فاروق سومر، در اواسط نیمه اول قرن دهم جهان ترك در آغاز از پنج این تشکیل می شد. غزها، قرقلها، اویغورها (تا قرن یازدهم به نام «توغوز غز» «کیمک»ها و قرقیزها. به این اقوام ترك بچنگهای ساکن شمال دریای سیاه را نیز می توان اضافه کرد.<sup>(۶۸)</sup>

بنا به گفته بروکلن در نزد ترکان قبل از اسلام قدرت مذهبی در دست «شامان» بود که ارواح «خبیثه» را دور و ارواح «پاکیزه» و دوست را جلب می نمود. ترکان قبل از اسلام ایمان عجیبی با سرنوشت و قضا و قدر داشتند.

با اسلام آوردن ترکهای ترکستان مرکزی در قرن دهم میلادی که مقارن با پدید آمدن يك بحراد اجتماعی در این منطقه است، افراد و قبایل این منطقه برای فرار یا کوچ به طرف سرحدات هند، استانبول پناه بردند. به همین مناسبت در ده سال دوم قرن یازدهم میلادی، سلطان محمود غزنوی از وجود قبایل ترکمان برای ایمن سازی مرزهای شمالی کشور خود استفاده نمود.

پارتولد، تاسیس دولتهای «قراخانیان»، «سلجوقیان» را توسط ترکان، مرحله نوین د مسیر تکاملی جوامع ماوراءالنهر و خوارزم خراسان می داند. این مرحله باعث استوارت سیادت سیاسی بزرگان صحرائشین و لشکری ترا و استقرار شیوه اقطاع و تضعیف دولت مرکز گردید. زیرا تبدیل فرزندان دشت و صحرا به غلامان درباری کاری چندان آسان نبود است.<sup>(۶۹)</sup>

## \* عده ای معتقدند که ترکمنها از تورانیان اصیل ایرانی هستند که در سیبری مرکزی، غرب مغولستان و سین کیانگ می زیسته اند.

### ۵- سیر اجمالی اوضاع تاریخی قوم ترکمن.

اوغوزها: اوغوزها در تاریخ ترکمن از اهمی بسزایی برخوردارند و مطالعه سیر تاریخی ترک بدون آگاهی تاریخی از اوغوزها ناممکن است. «در باره منشأ کلمه «اوغوز» نظرات متفاوت وجود دارد: به نظر ترك شناس مجار نمت کل اوغوز از دو جزء «اوق» و «اوز» تشکیل شد است. «اوق» به معنی تیر یعنی قبیله و «اوز» علامت جمع ترکی است. بنابراین اوغوز به مع قبیله ها می باشد.<sup>(۷۰)</sup>

به گفته «لغت نامه دهخدا»، «غز» لغت تاز است که به قبیله ترکان اوغز اطلاق می شود. «به گفته فاروق سومر مؤلف «تاریخ ترکمنها غز، در یکی از کتیبه های «بین سی ئی»<sup>(۷۱)</sup>

متعلق به قرن هفتم میلادی بوده است، برای اولین بار به کلمه «غز» یا «اوغوز» بر می‌خوریم. از روی این کتیبه معلوم می‌شود که غزها ابتدا در ساحل رود باسک زندگی می‌کردند. در آن موقع غزها از شش طایفه تشکیل می‌شدند سپس در نیمه دوم همان قرن، هنگامی که غزها در ساحل رود «تولا» می‌زیسته‌اند، مجتمع از ۹ طایفه بودند. رئیس شش طایفه غزها «آپ توران» بوده که در ۲۳ سالگی فوت می‌کند. (۷۲)

ترکمنها شجره‌نامه‌ای دارند که در آن نسب آنها از حضرت آدم (ع)، تا اوغوزخان مشخص شده است و همچنین شجره‌نامه‌های زیادی در بین طوایف گوناگون وجود دارد که همگی آنها به اوغوزخان می‌رسد ترکمنها به همین سبب خود را از نسل وی می‌دانند. اوغوزخان یکتاپرستی بود

(۷۳) با توجه به این روایات می‌توان گفت که ترکمن‌ها یکی از قدیمی‌ترین موحدین و خدایپرستان زردپوست به شمار می‌آیند. «آخرین بار که نام «توغوز اوغوز» که اعراب آن را «توغوزغز» نامیده‌اند در شرق «سیر دریا» ذکر شده است، در سال ۸۲۷ میلادی و ۲۰۵ هجری باشد. این زمانی است که گفته‌اند ایشان به

## \* اسب نژاد اوغوزها مانند شتر نژاد اعراب بود، با اسب به مسافرت و شکار می‌رفتند، گوشت آنرا می‌خوردند و شیرش را می‌دوشیدند.

اوغوزها مانند شتر نژاد عربها بود. با اسب به مسافرت و شکار می‌رفتند. گوشت آنرا می‌خوردند و شیر آن را می‌نوشیدند و از شیر اسب مشروب محلی بنام «قمیز» درست می‌کردند. (۷۴) اوغوزها با اهالی خراسان و ماوراءالنهر داد و ستد داشته و نیاز گوشت آنها را تأمین می‌نمودند. زن در جامعه اوغوز دارای احترام و موقعیت ممتازی نبود جوانان به افراد مسن احترام می‌گذاشتند و در برابر بزرگان هنگام صحبت دو زانو می‌نشستند. اوغوزها که قبل از گرویدن به اسلام پیرو دین شامان بودند در قرن یازدهم میلادی بصورت عمومی به اسلام ایمان می‌آوردند. (۷۷)

منشأ پیدایش نام ترکمن و وجه تسمیه آن: نتایج حاصل از تحقیق و بررسی منابع معتبر تاریخی نشان می‌دهد:

در اینکه ترکمنها از نسل اوغوزخان و غزها می‌باشند، تمامی منابع تاریخی اتفاق نظر دارند و نتایج حاصل از تحقیق و بررسی منابع معتبر تاریخی نشانگر این مهم می‌باشد.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب «جامع‌التواریخ»، بار تولد در کتاب «تاریخ سیاسی و اجتماعی آسیای مرکزی»، فاروق سومر در کتاب «تاریخ ترکمنان غز» و ذبیح‌الله صفا در کتاب «تاریخ ادبیات ایران» اوغوزها را ترکمن می‌دانند.

اسدالله معطوفی در کتاب خود با مراجعه به منابعی مانند مهاجران توران زمین نوشته نادر بیات و دیگر منابع تاریخی می‌نویسد: «عده‌ای از مورخین معتقدند که اوغوزها اجداد تمام ترکهای اوغز، اوغفور، اوتق، قارسوق (که غزنویان از این قومند)، ترتلوق، قیماق، قرقیز، ختایی و قبیچاق، تاتار، ترکمن، ازبک، سلجوق، قره قوینلو، آق قوینلو، صفوی، افشار، و قاجار هستند.

عده‌ای دیگر از مورخین معتقدند که ترکمن به معنی مانند ترک است. ترکمنها از تورانیان اصیل ایرانی نژاد هستند که در سیبری مرکزی، غرب مغولستان و «سین کیانگ» چین می‌زیستند. آنها بعدها از ترکان جدا شده و بر اثر همسایگی زبانیشان ترکی شد و سپس ترکمن نامیده شدند و بعد از پذیرش اسلام اوغوز نام گرفتند. (۷۸)

حسین بن خلف تبریزی در کتاب «برهان قاطع» و نویسندگان ایرانی مانند گردیزی و ابوالفضل بیهقی اوغوزها را ترک می‌دانند نه ترکمن (۷۹).

«در منابع عربی و فارسی به غزان مسلمانانی که وارد دارالاسلام می‌شدند ترکمان می‌گفتند (۸۰) همچنین طاهر مروزی از نویسندگان قرن ششم هجری می‌نویسد: «اوغوزهایی که با قلمرو مسلمین تماس یافته و اسلام می‌آوردند، ترکمن نامیده می‌شدند. (۸۱)

مقدسی مؤلف «احسن التقاسیم» از بحث خود نتیجه می‌گیرد که غزها قبیله‌ای کاملاً جدا از ترکمنها می‌باشند (۸۲)

قدیمی‌ترین مأخذ که در آن اسم ترکمن یا ترکمان ذکر شده، «احسن التقاسیم» تألیف مقدسی است که تاریخ تألیف آن اواخر نیمه قرن چهارم هجری



سرزمین «اشرو سته» در ماوراءالنهر ساختند. غزان به دو قبیله «اوج اوق» و «بوزاوق» و ۲۴ طایفه تقسیم می‌شوند و اغزخان رهبر آنان بوده است. (۷۴)

ابن فضلان در سفرنامه خود دز باره اوغوزها چنین می‌نویسد: «آنها مردمی صحرائین هستند و خانه مویی یا سیاه چادر (بیوت شعر) دارند. همیشه در حرکتند. به رسم صحرائینان یک دسته از این چادر در یک جا و دسته‌ای دیگر در جای دیگر گرد هم جمع می‌باشند.

فاروق سومر در شرح احوال اوغوزها چنین می‌نویسد: «ثروت اوغوز را گله‌های گوسفند، اسب، شتر و گاو تشکیل می‌داد. اسب نژاد

که با پدر کافر خود جنگید و او را شکست داد. بر طبق روایات اوغوزخان یکتاپرستی را پس از مدت‌ها که مردم به کفر روی آورده بودند، رواج داده است. بر طبق این روایات اوغوزخان یکتاپرست به دنیا آمد و گرچه طبق خواسته پدرش سه بار ازدواج کرد اما فقط در ازدواج سوم که زن او دختر عمویش) به خدای یگانه ایمان آورد، با او نزدیکی کرد. از این زن شش پسر به نامهای خون‌خان، آی‌خان، ییلدخان، گوگ‌خان، اغ‌خان و دنگیزخان به دنیا می‌آید که اقوام ترکمن هم از نسل ایشانند. از هر کدام از این شش فرزند بز چهار پسر پنه دنیا آمد و از این بیست و چهار بر، قبایل ۲۴ گانه ترکان غز بوجود آمده است

می باشد.

در کتاب «برهان قاطع» نیز آمده است: «قبایل زردپوست مجاور مرزهای ایران را «ترکمان» می نامیدند و دسته‌هایی از این قبایل به «ترکمان» معروف بودند. این نام از قرن پنجم هجری نخست به شکل جمع فارسی «ترکمانان» توسط نویسندگان و دانشمندان ایرانی همانند ابوالفضل بیهقی و گردیزی استعمال شده است. همین نام در دایره المعارف چنین قرن هشتم میلادی (تونگ تین فصل ۱۹۳) «توکومونگ» آمده است و به قول مونگ ستین واژه «توکومونگ» نام دیگری است که به کشور Suk-tak یعنی کشور «آلانان» اطلاق گردیده است. (۸۳)

به اعتقاد ابوریحان بیرونی و رشیدالدین فضل الله، ترکمن به معنی ترك مانند است. امروزه من را به معنی خالص می دانند زیرا من پسوند مبالغه است، مانند دلگیر من، قوجامان و... طبق گفته

بومی است»

«قوم ترکمن با ویژگیهای اسامی خویش در سده‌های ۱۴-۱۵ میلادی شکل گرفت و اساس آن را قبیله‌های ترکمنی پدید آوردند که دیری بود به ترکمنستان شمالی اوست ورت و منقشلاق کوچنده بودند. در سده‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی این قبیله‌ها با یکدیگر درهم آمیختند و وابستگی‌های خونی پیشین، جای خود را به وابستگی‌ها نوین فتودالی- ارضی دادند که از میان رفتن تدریجی تفاوتها و ویژگیهای عشیرتی، پیشین را یاری کرد، در ضمن ائتلافهای تازه، مهاجران بسیاری را نیز به ترکیب خود در آوردند که با گذشت زمان، آنها نیز ترکمن شدند». (۸۶)

در برخی دیگر از منابع، ترکمن نامیده شدن اوغوزها یا به عبارت دیگر به سیرت ترکمنان امروزی معرفی شدن آنها به دوره چنگیز خانیان و قرن یازدهم منسوب شده است.

«سوران» (سابران) با اوغوزها روبرو شدند. (۸۸) «جند، جواره، دهنو، سه شهر کند بر کناره رود «چاچ» و از خوارزم ده منزل است. شاه غزان به زمستان بدین دهنو باشد. (۸۹)

باتوجه به شجره منتشر شده توسط ابوالقاسی بهادرخان و منابع شفاهی؛ ترکمنها در حدود شش هزار سال پیش در منتهی‌الیه منطقه شمالی سواحل دریاچه «ایسیق گل» در شمال مغولستان زندگی می کرده‌اند. از این تاریخ به بعد بتدریج به طرف مغرب کوچ کرده‌اند. در قرن ششم میلادی به کناره‌های مسیر دریا و در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) به کناره‌های جنوب آمودریا و منطقه مرو رسیدند. سپس بتدریج به سوی جنوب آسیای میانه روی آوردند. ترکمنهای سلجوقی در سال ۴۲۷ هجری قمری در مرو مستقر شدند. در نتیجه مرو در آن زمان به کمال پیشرفت خود رسید. (۹۰)

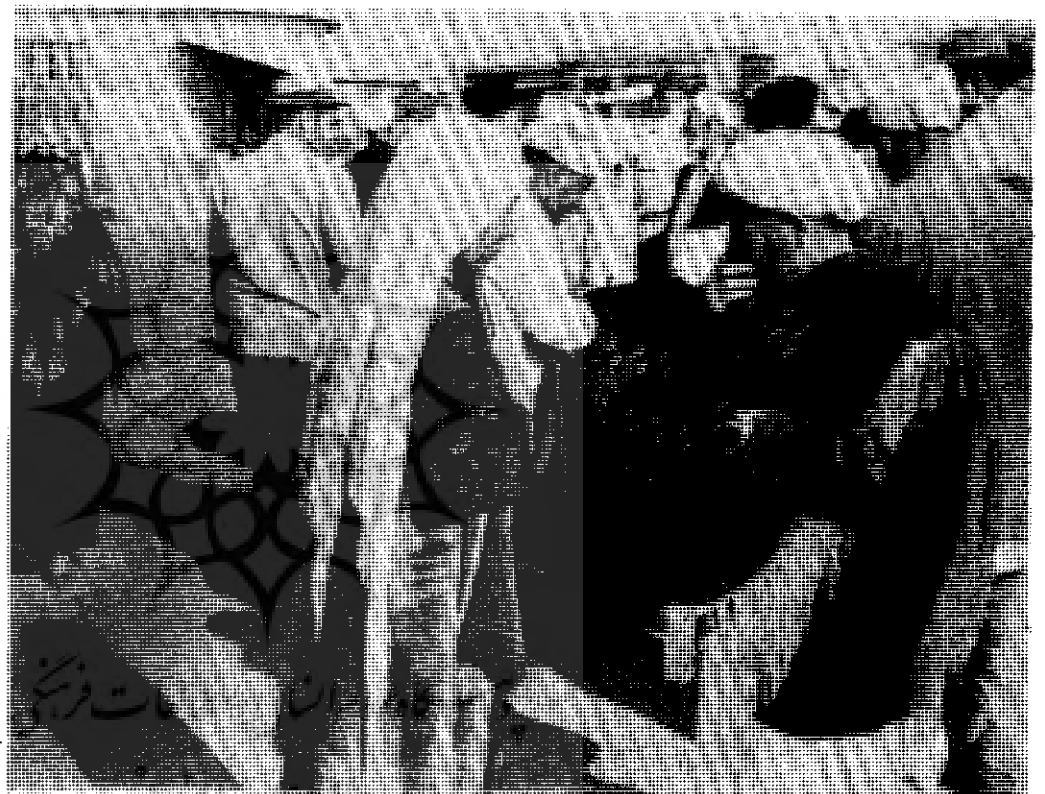
### \* سیر مهاجرت ترکمنها از اوایل قرون اسلامی تا قرن پنجم هجری ادامه داشته و آنان بتدریج خود را از یک سو به سواحل دریای خزر و بعد از هشتصدسال به نواحی جیحون و رود اترک و گسرگان رساندند.

بنابه گفته بارتولد در کتابهای جغرافیایی مربوط به قرن دهم میلادی نوشته شده است که ترکمنها در سرزمینهایی که اسلام در آسیای میانه دارد، در نزدیکی شهری بنام «ایسفیجاب» که احتمالاً در نزدیکی شهر سیرام که در ۱۲۵ کیلومتری تاشکند قرار دارد، زندگی می کنند. (۹۱)

«در قرن دهم هجری در منابع از «ساری قمیش» و «اوزبوی» در سواحل جیحون نام برده شده که مسکن ترکمانان یموت بوده است. بنابه اطلاعات ابوالقاسی خان در قرن یازدهم هجری کسی که از گرگانج (اورگنج) به بلخان سفر می کرد در واقع از یک ناحیه ترکمن نشین به ناحیه دیگر نقل مکان می کرد و در دو طرف رود «آغزیچه» مزارع و تاکستان ترکمنها دیده می شد. (۹۲)

مؤلف حدودالعالم در سال ۳۷۲ هجری دهستان، که در کرانه شرقی دریای خزر واقع بود را سرزمین غوزها می داند. «دهستان ناحیتی است که در آن غوز است و گذر علی بن سگری آنجاست. (۹۳) مقدسی دهستان را از بهتریس بخشهای گرگان شماره کرده و بن حوقل از مردمان صیاد و شکارچی آنجا یاد کرده، ناحیه دهستان سیاه کوبه (متشلاق) را مسکن ترکان غه می داند. (۹۴)

۷- سیر تاریخی مهاجرت و اسکان ترکمنها. در طی قرون گذشته جریان مداوم از حرکت اقوام و طایفه‌های ترک و مغول آسیای مرکزی (نژادزرد) به سرزمینهای دیگر چون ایراد



۶- زیستگاه اولیه ترکمنها. در این بخش زیستگاه اولیه اوغوزها نیز به عنوان اجداد اعلای ترکمنها ذکر خواهد شد. چه همانطور که قبلاً ذکر شد مورخین در اینکه اوغوزخان به عنوان جد اعلای ترکمنها شناخته شده و ترکمنها از نظر قومی بازماندگان قوم «غز» یا «اوغوز» می باشند، اتفاق نظر دارند.

در باره سکونتگاه اوغوزها نقل قولهای بسیاری در منابع مختلف تاریخی آمده است. غزان نخست در مغولستان سکونت داشتند و در کتیبه‌های «ارخون» متعلق به قرن هشتم میلادی از آنان یاد شده است. (۹۷)

مقدسی و مؤلف «حدودالعالم»، خوارزم را محل سکونت غزها دانسته و موقعیت آن را در ساحل چپ رودخانه جیحون و در جنوب دریاچه خوارزم (آرال) می داند. «جنگجویان اسلام نخستین بار در منطقه «ایسفیجاب» در قصبه‌ای بنام

بهادرخان کلمه ترکمن از واژه ترك مانند به معنای کسی که شبیه یک ترك است آمده است. میخائیلوف این واژه را از طریق دیگر تعبیر می کند و آن اینکه ترکمنها در جواب فارسی زبانان که از آنها پرسیدند کسی هستی؟ جواب می دادند «ترك من» یعنی من ترك هستم. و نیز گفته شده است که لفظ ترکمن برای تمایز آنها از ترکها به آنها داده شده است که نخست «ترك مانند» بوده و در اثر کاربرد در طی زمان و به مرور به «ترکمن» تغییر شکل یافته است. (۹۴)

آرمینیوس وامبری در کتاب «سیاست درویشی دروغین» می نویسد: «این واژه مرکب از اسم خاص ترك (Turk) و پسوند من (Man) مطابق با پسوند انگلیسی (domship) و به تمام نژاد تعلق می گیرد و باید این گونه تعبیر شود که این چادرنشینان مخصوصاً خود را ترك می خوانند. کلمه ترکمن که ما استعمال می کنیم، تحریف لغت

- 49. Szengrik
- 50. Aj Dervisch
- 51. Yomut
- 52. Atabay
- 53. Djaferbay
- 54. Yarali
- 55. Nurali
- 56. Sheref-Djuni
- 57. Ogurdj ali

بی نوشت:

۵۸- لاهیری، آرمینیوس، «سیاست درویشی دروغین در خانات آسیای میانه»، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۹۳-۳۸۴ و همچنین گلسی، همان، صص ۲۲۶-۲۱۰

۵۹- لوگاشوا، بی بی رایعه، «ترکمنهای ایران»، سیروس ایزدی، حسین تحویلی، شبانگ، ۱۳۵۹، ص ۳۳ و همچنین سارلی، اراز محمد، «ترکستان در تاریخ»، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، صص ۶۱-۶۰

۶۰- معطوفی، همان صص ۳۸۲

۶۱- سعیدیان، عبدالحمین «مردمان جهان» علم و زندگی، ۱۳۶۸، ص ۸۱۶

۶۲- گلی، همان، ص ۲۹

۶۳- fino- ougriens

۶۴- مؤیدی، حسینی، «شبهای درباره قوم غز» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، شماره دوم، ۱۳۵۴، ص ۴۲۹

۶۵- بیگدلی، همان، صص ۲۴۵-۲۲۲

۶۶- مؤیدی، همان، ص ۴۳۹

۶۷- گلی، همان، ص ۳۰

۶۸- مؤیدی، همان، ص ۴۴۲

۶۹- مؤیدی همان، صص ۴۳۴-۴۳۱ و همچنین بارتولد و «تاریخ سیاسی و اجتماعی آسیای مرکزی تا قرن ۱۱۲»، ترجمه علی رهنما، کابل ۱۳۴۴، صص ۳-۴۲

۷۰- بیگدلی، همان، ص ۲۴۳

۷۱- Yenicay

۷۲- مؤیدی، همان، ص ۴۳۶

۷۳- سیستانی، همان، ص ۸-۴۷

۷۴- همدانی رشیدالدین فضل الله، «جامع التواریخ» به کوشش بهمن کریمی، اقبال ۱۳۳۸

۷۵- ابن فضلان، «سفرنامه ابن فضلان» ۱۳۴۵، ص ۶۹

۷۶- بیگدلی، همان، ص ۲۵۴

۷۷- بیگدلی، همان، ص ۶-۲۵۴

۷۹- معطوفی، همان، ص ۳۸۲

۷۹- تبریزی خلف محمدحسین بن، «بیرمان قاطع» به کوشش محمدحسین امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۲۸۸

۸۰- مشیری، همان، ص ۱۳۳

۸۱- بیگدلی، همان، ص ۲۵۶

۸۲- مؤیدی، همان، ص ۴۴۴

۸۳- تبریزی، همان، ص ۲۸۸

۸۴- بیگدلی، همان، ص ۲۵۶، همچنین کمالی، محمدشیراز «مجموعه مقالات مردم شناسی»، دفتر سوم «ترکمن های ایرانی» (دوررسی انسان شناسی) مرکز مردم شناسی (مهرات فرهنگی کشور)، ۱۳۶۶، ص ۱۴۶ همچنین همان ص، ۳۸۳

۸۶- لوگاشوا، همان، ص ۱۸

۸۷- تبریزی، همان، ص ۴۸۸

۸۸- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد «احسن التقاسیم فی معرفة الاقاسیم» ترجمه علی قلی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ۱۳۶۱، ص ۳۹۵

۸۹- ستوده، بی تا، ص ۲۴

۹۰- کمالی، همان، ص ۱۴۶

۹۱- «عسگری و کمالی»، همان، ص ۲۷

۹۲- گلی، همان، ص ۱۹

۹۳- ستوده، بی تا، ص ۱۴۲

۹۴- گلی، همان، ص ۱۹

۹۵- مشیری، همان ص ۱۳۳، همچنین معطوفی، همان ص ۳۸۲، همچنین گلی، همان، ص ۱۶

۹۶- تبریزی همان، ص ۲۰۳ مشیری، همان، ص ۱۳۴

۹۷- گلی، همان، ص ۲۰

۹۸- لوگاشوا، همان، ص ۱۹

۹۹- کمالی، همان، ص ۲-۱۵۱، همچنین عسگری و کمالی، همان، ص ۲۹

۱- مشیری، سیدرحیم، «جغرافیای کوچ نشینی» (مبانی و ایران)، سمت، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴

۲- مشیری، همان، ص ۱۲۸، همچنین آبرونز، ویلیام، «کوچ نشینی راهی به سوی سازگاری ترکمانان بموت»، ۱۳۶۲، ص ۱۲۹

۳- مشیری، همان، ص ۱۲۹

۴- عسگری خانقاه، اصغر و کمالی، محمدشیراز، «ایرانیان ترکمن»، اساطیر، ۱۳۷۴، ص ۲-۷۱

۵- گلی، امین الله، «سیری در تاریخ سیاسی اجتماعی ترکمنها»، نشر علم، ۱۳۶۶، ص ۲۹

۶- معطوفی، اسداله، «استرآباد و گرگان در بستر تاریخ»، نشر درخشش، ۱۳۷۴، ص ۴۰۴ و همچنین بیگدلی، محمدرضا، «ترکمنهای ایران»، پاسارگاد، ۱۳۶۹، ص ۱۲۵

۷- بیگدلی، همان صص ۲۰۰-۱۹۹، همچنین، گلی، همان، ص ۲۵

۸- کمالی همان صص ۱۵۹-۱۵۶ همچنین بیگدلی، همان ص ۳۱۳-۳۰۷. همچنین عسگری و کمالی، همان، ص ۶۹

۹- سیستانی، ایرج افشار، «مقدمه ای بر شناخت ترکمانان مازندران، فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب»، بهار ۶۷، ص ۴۵

همچنین کمالی، همان ص ۱۶۰

۱۰- بیگدلی، همان، ص ۳۳۰، همچنین ایشهر، عبدالمجید، ماهنامه صحرا، ۱۳۷۸، ص ۲

۱۱- کلیفورد، ۱۳۶۸، ص ۶۰

۱۲- هیات، جواد، «سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی»، نشر نو، ۳۲۳

۱۳- هیات، همان ص ۳۷۱

۱۴- بیگدلی، همان، ص ۳۲۹

- 15. Tchaudor
- 16. Abdal
- 17. Igdyr
- 18. Essenly
- 19. Karatehaador
- 20. Bozadj
- 21. Burundjuk
- 22. Sheikh
- 23. Erzari
- 24. Alieli
- 25. Kara
- 26. Salor
- 27. Yal avadj
- 28. Karaman
- 29. Ana-Bolegi
- 30. Sarik
- 31. Khorasanli
- 32. Biradj
- 33. Sokhti
- 34. Alascha
- 35. Herzagi
- 36. Tekke
- 37. Otemish
- 38. Bakhshi
- 39. Toktanish
- 40. Goklen
- 41. Tshakir
- 42. Bakhshi
- 43. Kayi
- 44. Karabalkan
- 45. Kyryk
- 46. Bajindir
- 47. Gerkesz
- 48. Jankak

و چین برقرار بود. ترکمنها که بهترین گروه اقلیت و مشخص ترین دسته نژادی در ایران به شمار می روند، از آسیای مرکزی (ایسیفجانب) به سوی غرب و ایران مهاجرت کردند. علت کوچ آنها عبارت بود از:

الف: امپراتوری چین از سوی شرق به آنها فشار می آورد.

ب: پیروزی مسلمانان بر نقاط ترک نشین باعث شد که عده ای از آنها را با خود همراه سازند.

ج: جنگهای مختلف بر سر دام و مرتع در بین ترکمنها آنها را وادار به کوچهای متعدد نمود. (۹۵)

پروفسور لمتون عقیده دارد که طوایف اوغوز پس از حرکت به سوی باختر به چند گروه تقسیم می شوند: نخستین گروه به «منقشلاق» رفتند، گروه دوم به «ایران» رسیدند (۴۴۰ هجری) و تحت فرمانروایی خاندان سلجوق نخستین امپراتوری ترکمانان را ایجاد کردند. گروه سوم از طریق دریای سیاه به شبه جزیره «بالکان» رفتند (قرن پنجم هجری). گروه چهارم که از همه پیشتر بودند و بخشی از آنان اسکان یافته اند، در منطقه «مسیر دریا» (سیحون) باقی ماندند. (۹۶)

در مسیر مهاجرت ترکمنها از اوائل قرون اسلامی تا قرن پنجم هجری ادامه داشته و آنان تا این تاریخ یعنی ۵۰۰ هجری خود را به سواحل دریای خزر رساندند. ترکمنها بتدریج نواحی بین جیحون و رود اترک را در قرن هفتم و هشتم هجری و بعد از هجوم مغولان و فشاری که از سوی آنان وارد شده به اشغال خویش درآوردند. مهاجرت ترکمنها به سمت رود اترک و گرگان در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) آغاز گردیده است. (۹۷)

در قرن شانزدهم، در شمال خراسان «تکه» ها و میان گرگان و اترک قبیله های «اوخلو» و «گوکلان»، «ایموره»، «سالور» و جز اینها می زیستند. بخشی از قبیله «ایموره»، در روزگار پادشاهی طهماسب (۱۵۲۴-۱۵۷۸ میلادی) به سواحل رودخانه گرگان آمدند و در زمینهای پهناوری در این محل به کشت و زرع پرداختند. (۹۸)

در قرن هفدهم میلادی کوچ ترکمنها به شمال خراسان و افغانستان به دلیل استعمار خانهای خیوه و فتودالهای قالمین افزایش یافت. در قرن هیجدهم نادرشاه پس از تصرف خیوه دستور داد تا ترکمنهای تکه و یموت به خراسان مهاجرت کنند. همچنین در این قرن شهر مرو که از شهرهای بااهمیت و مهم ترکمن نشین بود که بین نیروهای نادرشاه، خانهای بخارا، حکومت ایران و بلاخره ترکمنهای آزاد دست به دست گشت.

در قرن نوزدهم قشون دولت روسیه پس از یک قرن لشکرکشی و تهاجم توانست بر خانهای خیوه، بخارا و خوکند استیلاء یابد و لشکر ژنرال اسکویلف در سال ۱۸۸۱ میلادی مقاومت دلیرانه ترکمنهای تکه را در گوگتپه درهم شکست. با به امضاء رسیدن قرارداد رسمی بین دو کشور ایران و روسیه در دسامبر ۱۸۸۱ از حرکت ترکمنها بین ایران و روسیه جلوگیری به عمل آمد و سرزمین ترکمنها را به دو بخش روسی و ایرانی تقسیم کرد. (۹۹)